

مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه دو مفسر بزرگ معاصر

مریم شگریان

دانشیار فلسفه

چکیده:

شناسی و شناخت شناسی (به عبارت دیگر جهان بینی یا حکمت نظری رئالیسم اسلامی، اساس مسائل تربیتی در این دیدگاه است و این ارتباط یک ارتباط منطقی است که می تواند بر انسجام و هماهنگی نظام تربیتی آن تأثیر بسزایی داشته، آن را به عنوان یک نظام خاص تعلیم و تربیت مطرح کند؛ یعنی حکمت عملی که شامل اخلاق، تعلیم و تربیت، حقوق و... است بر حکمت نظری (مقولات و مسائل نظری و فلسفی) مبتنی است. بعداً به چگونگی این ارتباط اشاره خواهد شد. با توجه به این مقدمه، مبانی تعلیم و تربیت رئالیسم اسلامی را می توان بطور کلی زیر تعریف کرد:

دیدگاه های کلی رئالیسم اسلامی درباره هستی، خدا، انسان، ابعاد وجود او، شناخت دانش (نگرش های کلی، مقبولات و پیش فرض ها نسبت به جهان هستی) است که پایه و اساس تعلیم و تربیت را تشکیل می دهد.

اگر بخواهیم تعریف خلاصه تری را بیان کنیم، می توان گفت مبانی تعلیم و تربیت، دیدگاه های رئالیسم اسلامی، نسبت به انسان، حقیقت و ابعاد وجودی، هدف از آفرینش کمال نهایی و کیفیت حرکت او به سوی مقصد نهایی (قرب الی الله) است.^۱

با توجه به فلسفه تعلیم و تربیت در این مقاله سعی شده است تا نظریات دو تن از مفسران و متکلمان بزرگ معاصر اسلامی، یعنی مرحوم علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری (ره) تحت عنوان رئالیسم در فلسفه اسلامی مورد بحث قرار می گیرد.^۲ به این نکته باید توجه کرد که نه تنها این دو فیلسوف بزرگ اسلامی، رئالیست هستند، بلکه تقریباً می توان گفت همه فیلسوفان مسلمان نیز رئالیست هستند و معتقدند اشیا مستقل از ما وجود دارند که بعضی از طریق حواس در ذهن تأثیر می کند و ذهن به درک آنها نائل می شود و بعضی هم توسط عقل شناخته می شود. علاوه بر این، معتقدند غیر از جهان مادی نیز حقایقی وجود دارد که بهره آنها از واقعیت کمتر از مادیات نیست، بلکه بیشتر و بالاتر است و از همه بالاتر، وجود حق تعالی است که در عین مادی نبودن، واقعیت بخش هر واقعی داری است. چون در مکتب رئالیسم اسلامی، تعلیم و تربیت از نوع حکمت عملی (ایدئولوژی) و مقولات فلسفی (جهان شناسی، انسان شناسی، هستی شناسی، خداشناسی، ارزش

۱. به این علت فلسفه این دو فیلسوف - رئالیسم اسلامی نامیده شد که خود مرحوم علامه و استاد مطهری، روش خویش را روش رئالیسم نامیده اند تا وجه تمایزی با مکتب ایده ایسم داشته باشد و از طرفی چون فلسفه این دو فیلسوف با مکتب معروف به رئالیسم نیز تفاوتها و ویژگی های منحصر بفردی دارد، لذا می توان آن را تحت عنوان رئالیسم اسلامی یا رئالیسم در فلسفه اسلامی (حکمت متعالیه به معنی عام آن) نامید.

■ واژگان کلیدی :

فلسفه ، تعلیم و تربیت ، رئالیسم اسلامی ، انسان ، مقولات فلسفی

■ مقدمه :

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و تأسیس حکومتی دینی و اسلامی بر اساس تعالیم قرآنی ، ضرورت تغییری بنیادین در تمام نظامات اجتماعی ، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ، بویژه در نظام تعلیم و تربیت کشور ، احساس می شد .

این ضرورت هم به لحاظ ماهیت فرهنگی ، و معنوی انقلاب و هم به لحاظ تأثیر پذیری سایر نظامات از نظام تربیتی بود. این در حالی بود که نظام آموزش و پرورش بجا مانده از دوران قاجاریه بویژه دوران پهلوی ، روستا ساخت و تقلیدی از نظام تعلیم و تربیت کشور های غربی بود که با اعتقادات و فرهنگ اصیل مردم مسلمان هماهنگی نداشت ، زیرا نظام تربیتی غرب بر اساس نوعی جهان بینی و فلسفه خاص شکل گرفته است و نمی تواند با اصول و مبانی جامعه اسلامی هماهنگی داشته باشد .

در راستای همین امر اقداماتی از قبیل تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی و دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و ... صورت گرفت . این نکته بسیار آشکار است که اگر بنا باشد در مورد نظام تعلیم و تربیت کشور ، کاری اساسی صورت گیرد ، قبل از هر چیز لازم است فلسفه تربیتی مناسب با جهان بینی انقلاب اسلامی به وجود آید و سایر جنبه های تعلیم و تربیت (هدفها، روش و ...) مبتنی بر آن شکل گیرد تا بدین وسیله از استحکام و انسجام لازم برخوردار گردد و گرنه هر کاری که بدون توجه به این نکته مهم و اساسی صورت گیرد ، کاری سطحی غیر منسجم و بی بنیان خواهد بود؛ بر همین اساس ، تبیین مبانی و اصول اساسی نظام تعلیم و تربیت اسلامی با استفاده از منابع اسلامی بسیار لازم و ضروری است ؛ اما با توجه به اینکه هر کسی نمی تواند مسائل اساسی جهان بینی را از منابع و متون دینی به آسانی استخراج کند و نظامی فلسفی و تربیتی پدید آورد، پس لازم است به نظر عالمان دینی و حکمای الهی و مسلمان، که مقبولیت لازم را دارا باشند، مراجعه کرد.

■ ارتباط بین مقولات فلسفی و جنبه های مختلف تعلیم و تربیت :

از دیدگاه رئالیسم اسلامی چون بین جهان بینی (مقولات فلسفی) و ایدئولوژی یک رابطه منطقی وجود دارد ، در تعلیم و تربیت (که از نوع ایدئولوژی است) نیز می توان چنین ارتباطی را بخوبی نشان داد. همان گونه که در تعریف مبانی مشاهده شد، جهان بینی یک مکتب بویژه نوع نگرش آن به (انسان) تأثیر بسیار عمیقی در جنبه های تعلیم و تربیت دارد، زیرا انسان موضوع تعلیم و تربیت است؛ پس در آغاز باید به این پرسش، پاسخ گفت که انسان چیست ؛ دارای چه ویژگی هایی است؛ شئون و استعداد های او کدام است ؟ هدف نهایی وی چیست ؟ اصولاً چه تیب انسانی می خواهیم تربیت کنیم ؟ لذا پس از روشن شدن این مسائل و سوالات است که می توان به سراغ تعلیم و تربیت رفت و نظام تربیتی مناسبی را تأسیس کرد. اصولاً مرحوم علامه طباطبائی و استاد شهید مطهری قبل از طرح مباحث اخلاقی و تربیتی و در آغاز به بحث درباره جهان بینی خود پرداخته و بویژه بحث از انسان را به عنوان مرکز مباحث خویش قرار داده اند.^(۱)

■ تحلیل مطلب :

در مورد ارتباط بین مقولات فلسفی و جنبه های مختلف تعلیم و تربیت بطور کلی (در جهان بینی های گوناگون) بحث درباره این مسئله به تفصیل صورت می گیرد (چنانچه در کتابهای فلسفه تعلیم و تربیت درباره آن بحث می شود) اما در این مقاله به جهت رعایت اختصار، تنها به تحلیل برخی از موارد از دیدگاه رئالیسم اسلامی خواهیم پرداخت : (شناخت شناسی ...) از نوع حکمت نظری (جهان بینی) است، لذا قبل از بحث از چگونگی این ارتباط ، لازم است ارتباط بین جهان بینی و ایدئولوژی از دیدگاه این مکتب مورد اشاره قرار گیرد .

۱- در مقدمه مقاله به ضرورت بحث فلسفه تعلیم و تربیت در کشور اسلامی ایران و ارتباط منطقی بین جهان بینی و ایدئولوژی بطور کلی اشاره ، و سپس در ادامه مقاله تلاش شده است ارتباط منطقی بین جهان بینی یا مقولات فلسفی (هستی شناسی ، خداشناسی ، انسان شناسی ، شناخت شناسی و ارزش شناسی) با جنبه های مختلف تعلیم و تربیت (اهداف ، محتوی ،

۱. بر همین اساس بحث تعلیم و تربیت در این دیدگاه ، بحث ساختن انسان و به کمال رساندن اوست یعنی پرورش عبد صالح که در اثر نزدیکی به خداوند حاصل می شود و همین امر هدف اساسی فرستادن پیامبران و کتاب وحی از جانب پروردگار است . چنانچه قرآن می فرماید : (هو الذی بعث فی الاممین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لقی ضلال مبین - سوره جمعه ، آیه ۳)

روش و... نشان داده شود.^(۱) در پایان مقاله نیز عنوان نتیجه گیری به این سه مطلب اشاره گردیده است :

۱- رئالیسم اسلامی یک نظام تعلیم و تربیت ویژه دارد.

۲- مقولات فلسفی رئالیسم اسلامی بر جنبه های مختلف تعلیم و تربیت تأثیر مستقیم دارد.

۳- بین هستی شناسی رئالیسم اسلامی و علومی که در فرهنگ اسلامی به وجود آمده است، ارتباط آشکاری وجود دارد .

■ ارتباط منطقی جهان بینی و ایدئولوژی :

از دیدگاه رئالیسم اسلامی یک رابطه کاملاً منطقی بین جهان بینی (دیدگاه های کلی نسبت به هستی) و ایدئولوژی برقرار است، چنانکه استاد شهید مطهری در بحث از جهان بینی این مطلب را بخوبی بیان می کند :

... می دانیم که هر مکتب و ایدئولوژی برای نجات و رهایی بشر یک سلسله ارزشها و باید ها و نباید ها در سطح فرد یا جامعه می آورد ... ولی این باید ها و نباید ها بر فلسفه خاصی متکی است که آنها را توجیه می نماید ؛ یعنی اگر مکتبی ، یک سلسله دستورها و فرمان ها مقرر می دارد و ناچار بر نوعی فلسفه و جهان بینی در باره هستی ، جهان، جامعه و انسان متکی است که چون هستی چنین است و جامعه چنان است ، پس باید این چنین و آن چنان بود ... ایدئولوژی بر پایه جهان بینی استوار است ... چرای ایدئولوژی در جهان بینی که آن ایدئولوژی بر آن استوار است ، نهفته است و به اصطلاح ایدئولوژی از نوع حکمت عملی است و جهان بینی از نوع حکمت نظری . هر نوع خاصی از حکمت عملی بر نوعی خاص از حکمت نظری مبتنی است .

■ توضیح و تعریف مبانی تعلیم و تربیت :

آنچه در اینجا به عنوان مبانی تعلیم و تربیت ، مورد نظر است در واقع همان مقولات فلسفی است . مقولات بر اساس حرکت

جوهری در رئالیسم اسلامی ، انسان و جهان دائماً " در حرکت و شدن به سوی تکامل خود ، وسیله این تکامل نیز تعلیم و تربیت است ، بنابراین ، روابط انسان و کنش و واکنش متقابل او نیز دائماً دستخوش تغییر است^(۲) .

■ تأثیر هستی شناسی بر تعلیم و تربیت :

می توان گفت مقوله هستی شناسی (جهان شناسی و خداشناسی) رئالیسم اسلامی بر همه جنبه های تعلیم و تربیت تأثیر دارد اما تأثیر مستقیم آن بر هدفها و در مرتبه بعدی بر محتواست . درباره هدف به این نکته باید اشاره کرد که هدف غایی و نهایی تعلیم و تربیت در این مکتب بر اسای هستی شناسی خاص آن، که هدف کلی همه آفرینش را قرب الی الله می داند ، تعیین می شود؛ یعنی هدف تعلیم و تربیت نیز قرب الی الله و پرورش عبد صالح است و این هدف والا و مهم ، جهت هدف های کلی (متوسط یا مرحله ای) و جزئی (اجرایی) تعلیم و تربیت را تعیین می کند ؛ لذا می توان گفت نظام تربیتی رئالیسم اسلامی « خدا محور » است و توحید (خدا محور) بر کل دستگاه تربیتی و جنبه های مختلف آن حاکم است .

درباره تأثیر مقوله هستی شناسی بر محتوی نیز می توان گفت اصولاً محتوای تربیتی و آموزشی به آسانی از هدفهای تربیت قابل تفکیک نیست؛ به همین جهت محتوی نیز بعد از اهداف، بیشترین و مستقیم ترین تأثیر را از هستی شناسی می پذیرد. منع و تحریم آموزش مسائلی مانند جادو و طلسم ، صورت سازی و تکیه بر رشد عقلانی و اخلاقی و... مثالهایی است که می توان بدانها اشاره نمود که از دیدگاه متافیزیکی مکتب رئالیسم اسلامی متأثر است.^(۳)

۲. باید اذعان کرد که صاحب نظران غربی تعلیم و تربیت درباره فلسفه تربیتی کتابهای فراوانی نوشته و به تفصیل مطالب را بحث کرده اند ، اما متأسفانه در کشور ما تاکنون کاری در خور و شایسته صورت نگرفته است.

۳. برای تعلیم و تربیت سه نوع هدف می توان در نظر گرفت :
۱- هدف غایی (نهایی) - ۲- اهداف متوسط یا مرحله ای یا مقطعی
۳- هدف جزئی (اجرایی)

۱. این مسائل در بحث انسانشناسی مورد بررسی قرار می گیرد و مقوله ای بسیار اساسی و بنیادی است که باید در بحث از علوم انسانی بطور جدی و قبل از هر مطلبی در نظر باشد.

■ تأثیر انسان شناسی بر تعلیم و تربیت :

نظر نوع بین هیچ گروهی از انسان ها (زنان، مردان، بردگان و...) تفاوتی وجود ندارد تا بتوان بر اساس آن این حق را از آنان سلب کرد. طبق این نظریه هر گونه محروم کردن و روا داشتن تبعیض (در امر تعلیم و تربیت) کاری غیر اصولی و طبعاً با طبیعت انسانی مخالف است.^(۳)

مزیت اصحاب صراط مستقیم بر بقیه و نیز مزیت صراط آنان بر سبیل سایرین، تنها به علم است نه عمل. آنان به مقام پروردگار شان علمی دارند که دیگران ندارند. زیرا در سبیل های پائین تر صراط مستقیم، اعمال صالح کامل و بدون نقص نیز وجود دارد و وقتی برتری اصحاب صراط مستقیم به عمل نیست، فقط علم باقی می ماند. آیه (یرفع الله الذین آمنو منکم ...) ^(۴) به این مزیت اشاره می کند. زیرا نشان می دهد، آنچه خودش به سوی خدا بالا می رود، کلمه طیب و علم است و اما عمل صالح، اثرش کمک به بالا رفتن علم است.^(۵)

■ تأثیر شناخت شناسی بر تعلیم و تربیت :

در زمینه تأثیر شناخت شناسی بر تعلیم و تربیت ، می توان گفت این مقوله تقریباً بر همه جنبه های تربیتی اثر می گذارد؛ بویژه تأثیر مستقیمی بر روش و متد دارد. این مطلب مبرهن است که مسئله یادگیری و چگونگی آن به چگونگی حصول علم ؛ ابزار و منابع علم بر می گردد و نهایتاً اینکه ماهیت شناخت چیست ، و ظرفیتهای شناختی انسان چیست و... رئالیسم اسلامی در بحث معرفت بر شناخت های فطری و علم حضوری تأکید دارد و حصول علم و ادراک را در روند حسی (که از حس آغاز می شود) و سازماندهی عقل (حالت ابداعی نفس) ، توأمان می داند. لذا هم بر روش تجربی و هم استدلال در یادگیری تأکید می ورزد. از طرفی چون ادراک در دیدگاه رئالیسم اسلامی، از خواص روح است و روح نیز شامل قوای ادراکی و تحریکی است، لذا در این مکتب به پرورش عقل و تفکر اهمیت خاصی داده شده است، چون علم را ارتجالی نمی داند بلکه معتقد است باید از طریق تعلیم و تربیت حاصل گردد.^(۶)

چنانکه قبلاً اشاره شد ، انسان به عنوان موضوع تعلیم و تربیت ، نقش بسیار اساسی و تعیین کننده ای در نظام تربیتی دارد و هرگونه نگرشی به آن می تواند تأثیر خاص و مستقیم و انکارناپذیری داشته باشد. چون در دیدگاه رئالیسم اسلامی، انسان موجودی با دو ویژگی مهم و اساسی عقل (علم) و ایمان است، لذا بر آموزش های معنوی و اخلاقی و رشد قدرت عقلانی و قوه تفکر انسان تأکید فراوانی شده است.^(۷)

همچنین از آنجا که مسأله فطرت انسانی در نظر رئالیسم اسلامی ام المعارف نامیده شده است ؛ در نظام تربیتی نیز احیای فطرت انسانی را آرمان تربیت دانسته ، آن را یکی از اصول اساسی تعلیم و تربیت می داند. ^(۸)

اگر انسان دارای یک سلسله فطریات باشد قطعاً تربیت او باید یا در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد و اصل لغت تربیت هم اگر به کار برده شود بر همین اساس است. (مطهری، فطرت، ص ۵۱) چون در انسان شناسی این مکتب نوع انسان در انسانیت یکسان است و تفاوتی ندارد و هر آنچه می تواند رشد استعداد ها و تواناییهای انسان را فراهم آورد، به همه نوع تعلق دارد و هیچ فردی از افراد انسانی نباید از آن محروم گردد، و یکی از این موارد مشترک، عمومیت و همگانی بودن حق تعلیم و تربیت است که به نوع انسان بر می گردد و متعلق به نوع انسان است، لذا همگان باید حق بهره مندی از این نعمت عظمای الهی را داشته باشند. در این دیدگاه نه تنها همه انسان ها حق بهره مند شدن از آموزش پرورش را دارند، بلکه بالاتر از این فراگیری علم و دانش مورد نیاز جامعه، یک فریضه است. مرحوم علامه طباطبایی در همگانی بودن کسب علم و دانش برای همه انسان ها به جهت اشتراک در نوع (یعنی اینکه نوع انسان ویژگی خاصی دارد) بطور اساسی و جوهری هر گونه تفکر تبعیض آمیز را در این باره طرد می کند، زیرا از

۱. استاد مطهری پس از نقد و بررسی تعریفهای ارائه شده از انسان ، این تعریف را ارائه می نماید : انسان موجودی است دارای علم (عقل) و ایمان

۲. استاد شهید مطهری می گوید: موضوع فطرت نناه ارزش نظری ندارد. یعنی فقط مربوط به ذهن باشد و در عمل به کار نیاید بلکه مطلبی است که بدون شناخت دقیق آن، بینش اسلامی درباره انسان مجهول خواهد بود و در جزء جزء ایدئولوژی اسلامی ردپایی از فطرت باقی است و بدون توجه به آن ایدئولوژی اسلامی تبیین نمی گردد. (اهتزاز روح - نشر حوزه هنری سازمان تبلیغات ، ۱۳۶۹، ص ۲۹)

۳. مرحوم علامه طباطبایی در ذیل تفسیر آیه ۳۲ سوره مائده (من قتل نفساً...) این مطلب را بحث می کند (تفسیر المیزان، جلد ۵، نشر رجا ، ص ۴۸۲)

۴. ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۹، ص ۳۲۷

۵. ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۷، ص ۲۸-۳۰

۶. استاد شهید مطهری، تعلیم و تربیت اسلامی ، انتشارات صداره ، ۱۳۷۱، ص ۱۶

■ تأثیر ارزش‌شناسی بر تعلیم و تربیت :

مقوله ارزش‌شناسی نیز بر همه جنبه‌های تعلیم و تربیت اثر دارد. اصولاً ارزش‌های اخلاقی، روح نظام تربیتی در رئالیسم اسلامی را تشکیل می‌دهد و مانند خونی در تمام پیکره دستگاه تعلیم و تربیت جاری است. کمال انسان در این دو دیدگاه در گرو کسب فضایل اخلاقی و دوری از ذرایل و تقویت گرایشهای فطری است (گرایش به زیبایی، خیر و...) لذا در تربیت نیز کمال انسان را قرب خداوندی می‌دانند و این است که به آموزش‌های اخلاقی بسیار اهمیت می‌دهند و اصولاً تهذیب و تزکیه و پرورش اخلاقی را بر آموزش و فراگیری دانش مقدم می‌دانند (این تقدم، تقدم رتبی است).^(۱)

علامه در اصول فلسفه رئالیسم بحث کوتاهی در باره حُسن مطرح کرده است. از دیدگاه وی، اطلاق حُسن بر افعال (همانند اطلاق وجوب) اعتباری است. چنانکه می‌دانیم، مراد از اعتبار در اینجا دادن حد چیزی است به چیز دیگر، بنابراین، اگر اتصاف افعال به حُسن اعتباری باشد، باید مفهوم حُسن مصداق‌هایی حقیقی نیز داشته باشد. از عبارت علامه در اصول فلسفه، چنین بر می‌آید که مصداق حقیقی خوبی، ملائمت و سازگاری میان اشیاء و قوای احساسی است. علامه حُسن اعتباری را نیز مانند وجوب اعتباری به دو بخش تقسیم کرده است. حُسنی که صفت فعل است، فی نفسه و حُسنی که صفت لازم و غیر متخلف فعل صادر است، چون وجوب عام، بنابراین ممکن است فعلی بر حسب طبع بد و قبیح بوده و بازار فاعل صادر شود و ولی صدورش ناچار با اعتقاد حُسن صورت خواهد گرفت. (مطهری، ج ۶ ص ۲۳۴) کار اخلاقی، در ذهن و وجدان بشر دارای ارزش و قیمت است ولی نوع ارزش با ارزش‌های مادی متفاوت است. (مطهری، فلسفه اخلاق، ص ۳۶).

■ نتیجه‌گیری :

از مطلبی که در این قسمت بیان شد می‌توان چنین نتیجه گرفت که :

■ اولاً: مقولات فلسفی رئالیسم اسلامی

(هستی‌شناسی، خداشناسی، و...) بر تعلیم و تربیت آن تأثیر مستقیم دارد؛ به عبارت دیگر بین مقولات فلسفی (حکمت نظری) و جنبه‌های مختلف تعلیم و تربیت (حکمت عملی) ارتباط منطقی وجود دارد البته برخی از مقولات بر بعضی از جنبه‌های تعلیم و تربیت تأثیر مستقیم‌تر و بیشتری دارد.

■ ثانیاً: یا توجه به نظریات بررسی شده به این مطلب نیز می‌توان اشاره کرد که رئالیسم اسلامی دارای یک نظام ویژه تربیتی است؛ چنانکه استاد شهید مطهری نیز به این مسئله اشاره دارند: «یک مکتب که دارای هدفهای مشخص است و مقررات همه‌جانبه‌ای دارد و به اصطلاح سیستم حقوقی و اقتصادی و سیاسی دارد نمی‌تواند یک سیستم خاص آموزشی نداشته باشد» لذا رئالیسم اسلامی دارای یک نظام تربیتی خاص است که بر جهان بینی آن مبتنی است و کمال این نظام تربیتی به کمال و برتری نظام فلسفی (جهان بینی) آن بر می‌گردد که نظامی است که همه‌جانبه و عالی (حکمت متعالیه)

■ ثالثاً: از مباحثی که گذشت به نکته بسیار مهمی در تاریخ و فلسفه علم می‌توان دست یافت و آن ارتباط بین هستی‌شناسی، رئالیسم اسلامی و علمی است که در دنیای اسلام به وجود آمده که بخوبی نمایان است. طبق نظریه هستی‌شناسی مرحوم علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری که آن را جهان بینی «خدا محوری» نامیدیم، رابطه نزدیکی بین نظریات کلی درباره هستی با علوم که در جامعه به وجود آمده است، وجود دارد.

اصولاً در این دیدگاه، تحقیق درباره علوم بدون توجه به مبانی تفکر رئالیسم اسلامی درباره جهان و چگونگی خلقت و تکوین آن امکان ندارد. وحدت طبیعت (که خاستگاه قسمتی از علوم است) نتیجه مستقیم وحدت مبدا عالم است و آن چنان که از بررسی دیدگاه‌های مرحوم علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری استفاده می‌شود، هدف نهایی جهان‌شناسی رئالیسم اسلامی در

واقع نمایان ساختن وحدت و پیوستگی جمیع کائنات و تمام مراتب وجود است. این مسئله بسیار مهم و اساسی است و می تواند راهگشای علوم باشد؛ زیرا توحید، اساس و پایه جهان بینی رئالیسم اسلامی است که در هر شأنی از شئون و مرحله ای از مراتب، فرهنگ آن به صورت های مختلف ظهور و بروز داشته و دارد.

◆ منابع و ماخذ:

- ۱- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۶، ۱۳۶۶، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷
- ۲- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت اسلامی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱
- ۳- مطهری، مرتضی، فطرت، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹
- ۴- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷
- ۵- مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷
- ۶- علامه طباطبائی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، جلد پنجم، بدون تاریخ
- ۷- مجله رشد معلم، آموزش معارف اسلامی، دوره ۱۸، شماره ۱، پائیز ۸۴
- ۸- نشریه اخلاق، شماره نهم و دهم، انتشارات حوزه، ۱۳۸۶
- ۹- مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹
- ۱۰- علامه طباطبائی: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ترجمه موسوی همدانی
- ۱۱- علامه طباطبائی، دومین یادنامه علامه طباطبائی، ۱۳۶۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی